

قدمه

تازدهاش

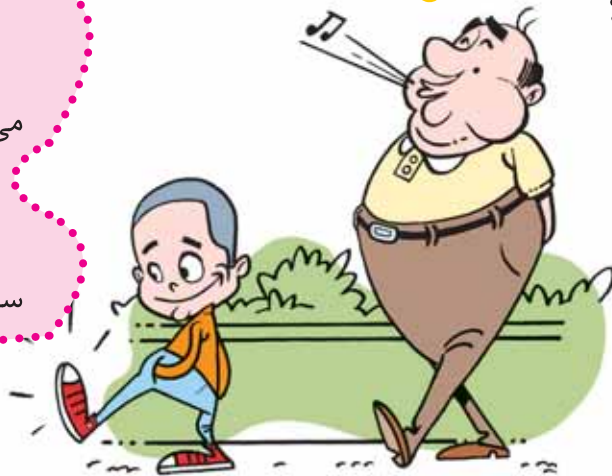
تروپتست

تازفت!

نوشته‌ی شهرام شفیعی
تصویرگر: امیر خالقی

سوت

آدم خسیسی بچه‌اش را آورده بود پارک. بچه راه می‌رفت و خسیس هم سوت می‌زد.
گفتند: «چرا سوت می‌زنی؟»
گفت: «می‌خواهم بچه فکر کند برایش کفش سوت‌سوتکی خریده‌ام!»



آلودگی هوا

یک نفر از تهران به خانواده‌اش که در روستا بودند، تلفن زد و گفت: «هوای این‌جا آن‌قدر آلوده است که آدم باید بعد از تنفس، خلال دندان بزند!»

معما

اولی: «آن چیست که از تخم مرغ و زردچوبه درست می‌شود و آن را سر سفره‌ی هفت‌سین می‌گذارند؟»
دومی: «جوجه‌ی یک روزهای که به آن رنگ زرد زده‌اند و می‌خواهد عید را به همه تبریک بگوید!»



کفش

برای بچه‌ای، کفش تازه خریدند. بچه گفت:
«این کفش‌ها پایم را اذیت می‌کند.»
فروشنده گفت: «این کفش، روز اول سفت
است. از روز دوم نرم و راحت می‌شود.»
بچه گفت: «پس این کفش تازه را از روز دوم
می‌پوشم!»



مسئله‌ی ریاضی

اولی: «اگر گفتمی فرق بین کباب کوبیده و مسئله‌ی
ریاضی چی است؟»
دومی: «کباب کوبیده، هیچ وقت باقی مانده ندارد!»

عنکبوت

مشتری عصبانی، پیش خدمت را صدا زد و گفت:
«نگاه کن... یک عنکبوت دارد توی لیوان من راه می‌رود!»
پیش خدمت شروع کرد به دست زدن.
مشتری گفت: «چرا دست می‌زنی؟»
پیش خدمت با لبخندی گفت: «همین که دارد
تلاش می‌کند تا بیرون بیاید، جای قدردانی دارد!»

